

اعلامیه کمیته مرکزی حزب توده ایران، به مناسبت سی امین سالگرد فاجعه ملی کشتار هزاران زندانی سیاسی به وسیله حکومت جنایتکار جمهوری اسلامی!

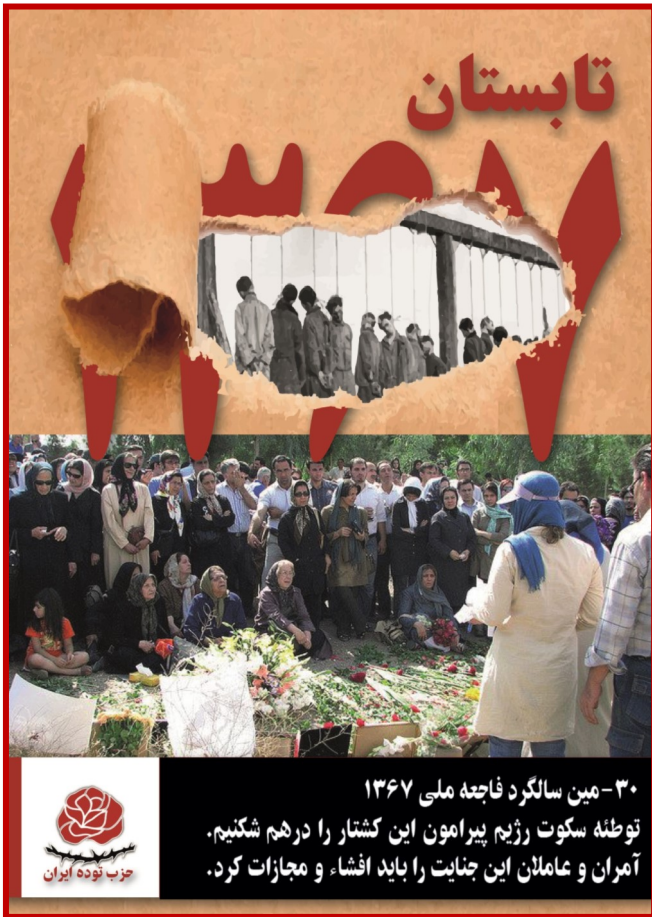


هم‌میهنان شریف و آگاه!

با فرارسیدن مرداد و شهریورماه ۱۳۹۷، سی سال از یکی از تکان‌دهنده‌ترین جنایت‌های سیاسی تاریخ معاصر ایران و جهان، یعنی فاجعه ملی قتل‌عام هزاران زندانی سیاسی، به فرمان مستقیم خمینی، سپری می‌شود. با گذشت بیش از سی سال از این فاجعه بزرگ، برخی گوشه‌های تاریک این جنایت، امر دهندگان، سازمان‌دهندگان و اجرا کنندگان آن روشن شده است و جای هیچ شبهه‌ای باقی نگذاشته است که کشتار هزاران زندانی اسیر در تابستان ۱۳۶۷- زندانیانی که بسیاری از آنان قبلاً در بیدادگاه‌های قوه قضائیه رژیم ولایت فقیه محاکمه و به زندان محکوم شده بودند- جز پاک‌سازی بزرگ و خونین مخالفان سیاسی و تأمین دوام حکومت جمهوری اسلامی هدفی نداشته است.

حزب ما از اردیبهشت‌ماه سال ۱۳۶۷، درباره خبرهای نگران‌کننده‌ای که از زندان‌های رژیم می‌رسید به‌طور مرتب و به‌روز شده اطلاع‌رسانی می‌کرد، هشدار می‌داد و همه نیروهای مترقی ایران و جهان را فرا می‌خواند برای نجات جان زندانیان سیاسی ایران تلاش‌های خود را تشدید کنند.

مشخصه وضعیت تاریخی میهن‌مان در مقطع زمانی سازمان‌دهی کشتار زندانیان سیاسی در تابستان ۶۷، شکست قاطع و خفت‌بار سیاست ایران برباد ده "جنگ، جنگ تا پیروزی" در جنگ هشت‌ساله ایران و عراق بود، سیاستی که با همه مخالفت‌ها و ناراضی‌هایی که از سوی اکثر مردم و نیروهای ملی و آزادی‌خواه کشور نسبت به آن ابراز می‌شد، خمینی و سران رژیم بر میهن ما تحمیل کرده بودند. کشتار صدها هزار جوان ایرانی و عراقی در جبهه‌های این جنگ، تخریب ده‌ها شهر و صدها میلیارد دلار خسارت جنگی و در کنار آن نظامی کردن حیات کشور و بالا کشاندن نیروهای سپاه و دیگر دستگاه‌های سرکوبگر و امنیتی به سطح نیروهای کلیدی تصمیم‌گیرنده در نظام سیاسی حاکم بر میهن ما، از جمله اثرهای مخرب سیاست‌های رژیم ولایت فقیه و شخص خمینی بود که بدون در نظر گرفتن منافع ملی و مردمی کشورمان همچنان پیگیری می‌شد. خمینی پذیرش قطعنامه ۵۹۸ شورای امنیت سازمان ملل متحد و پایان جنگ را "توشیدن جام زهر" توصیف کرد، زیرا می‌دانست پذیرفتن این قطعنامه جز قبول مسئولیت سیاست‌های نابخردانه، ضدملی و فاجعه‌بار ادامه جنگ ایران و عراق، برای شش سال پس از آزادی خرمشهر از سوی او و دیگر سران رژیم، مفهوم دیگری ندارد. خمینی و میراث‌خواران استبداد ولایت فقیه، یعنی خامنه‌ای، رفسنجانی، احمد خمینی و دیگر مهره‌های رژیم چهل و استبداد که نگران زوال حیات سیاسی رژیم بودند، با سازمان‌دهی کشتار همگانی فاجعه ملی ۶۷، جمعی از پیگیرترین و فداکارترین شخصیت‌های اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و مردمی ایران را به قتلگاه کاشاند تا آینده سیاسی‌شان و دوام دوران حکومت چهل و جنایت ولایتی را طولانی‌تر کنند.



۳۰-مین سالگرد فاجعه ملی ۱۳۶۷
توطئه سکوت رژیم پیرامون این کشتار را درهم شکسیم.
آمران و عاملان این جنایت را باید افساء و مجازات کرد.

کمیته مرکزی حزب توده ایران، در اعلامیه‌ای که در آذرماه ۱۳۶۷ صادر کرد، این قتل‌عام تکان‌دهنده را "فاجعه ملی" نامید و نوشت: "این فاجعه مصیبت‌بار ابعاد بسیار وسیع، هولناک و تکان‌دهنده دارد. حرف بر سر کشتار صدها تن از کادرها و اعضای برجسته حزب توده ایران و دیگر سازمان‌ها و نیروهای انقلابی و ترقی‌خواه مخالف رژیم است. با یک دنیا دروغ و درد باید گفت که پس از «خانه‌تکانی» خون‌بار رژیم در دخمه‌های دوزخی خود، خلق ایران و جنبش انقلابی میهن ما، جمعی از آگاه‌ترین، آزموده‌ترین و فداکارترین فرزندان خود را از دست داده است. تبه‌کاری‌های اخیر رژیم خودکامه خمینی، به‌ویژه فاقد هرگونه پشتوانه قانونی، حقوقی، مدنی، اخلاقی و انسانی و یادآور اقدامات جنون‌آمیز فاشیست‌های هیتلری در اردوگاه‌های مرگ است. ..."

و این، تنها ادعای حزب توده ایران نیست. نوار صوتی گفت‌وگوی زنده‌یاد آیت‌الله منتظری با عاملان کشتار زندانیان سیاسی که در سال ۱۳۹۵ منتشر شد، این شیوه ضد انسانی رژیم در برخورد با مبارزان راه آزادی را به‌وضوح در معرض داوری افکار عمومی قرار داد و جنایت‌پیشگی سران رژیم را آشکارتر کرد. در جلسه ۲۴ مردادماه ۱۳۶۷ آقای منتظری با گروه مرگ اعزامی رژیم به زندان‌ها که عبارت بودند از: حسینعلی نیری، در مقام حاکم شرع وقت؛ مرتضی اشراقی، دادستان وقت؛ مصطفی پورمحمدی، در مقام نماینده وقت وزارت اطلاعات در زندان اوین، و ابراهیم رئیسی، معاون وقت دادستان کشور، آقای منتظری اعدام‌های صورت گرفته را بزرگ‌ترین جنایتی که در جمهوری اسلامی از اول انقلاب تا آن زمان انجام شده نامید، و خطاب به حاضران جلسه گفت: "می‌خواهم ۵۰ سال دیگر برای آقای خمینی قضاوت نکنند و بگویند آقای خمینی یک چهره خون‌ریز، سفاک و فتاک [گستاخ] بود و به‌نظر من این بزرگ‌ترین جنایتی که از اول انقلاب تا حالا در جمهوری اسلامی شده است و در تاریخ ما را محکوم می‌کنند... و شما را در آینده جزء جنایتکاران تاریخ می‌نویسند."

فاجعه ملی کشتار هزاران زندانی سیاسی و دگراندیش و عملکرد چهل ساله رژیم ولایت فقیه در عین حال نشانگر ماهیت عمیقاً ضد انسانی و جنایتکار حکومتی است که بر پایه "اسلام سیاسی" و "حاکمیت نماینده خدا بر روی زمین" برقرار شده است. حکومتی که نه اصلاح‌پذیر است و نه در آن هیچ قانونی (حتی قانون اساسی مورد قبول حکومت)، هیچ دستگاه اجرایی، قانون‌گذار و قضایی و خواست و اراده مردم در مقابل نظرات ولی فقیه پیشیزی ارزش ندارد و از این روی می‌توان سپاه را سفید جلوه داد. "قانون" را ابزار کار سرکوب و کشتار کرد، جنایت را "جهاد" نامید، هزاران انسان بی‌گناه را در عرض چند هفته این چنین قتل‌عام کرد و در کمال بی‌شرمی و وقاحت به این جنایت هولناک زیر عنوان "جهاد در راه خدا" افتخار هم کرد. بیهوده نیست که با گذشت سی سال از این جنایت نه‌تنها سران جمهوری اسلامی، بلکه حتی مدعیان انجام اصلاحات در حکومت نیز حاضر نشده‌اند در این زمینه قبول مسئولیتی کنند و به خواست‌های هزاران خانواده قربانیان این فاجعه پاسخی دهند. حتی در دوران هشت‌ساله "دولت اصلاحات" که اصلاح‌طلبان حکومتی زمام امور مجلس شورا را در دست داشتند نیز مدعیان "مردم‌سالاری اسلامی" حاضر نشدند از مرزهای "خودی و غیرخودی" عبور کنند و گامی در راه روشن کردن حقایق برای مردم بردارند. سکوت در برابر جنایت و جنایت‌پیشگی سرانجامش همان بود که ما در قتل‌های زنجیره‌ای فروهرها، مختاری و پویند، و در ادامه سرکوب‌های خونین رژیم در تیرماه ۱۳۷۸ در دانشگاه‌های کشور دیدیم و پس از آن هم در جریان سرکوب خونین اعتراض‌های مردم در سال ۱۳۸۸ و فجایع کهریزک شاهد آن بودیم و در سرکوب اعتراض‌های مردمی در بیش از هشتاد شهر کشور در دی ماه سال ۱۳۹۶ و در ماه‌های اخیر نیز شاهد بوده‌ایم. و امروز هم هنوز پس از گذشت سی سال، این نیروها نه‌تنها درسی از این تاریخ خون‌بار نگرفته‌اند بلکه

همچنان به سکوت معنادارشان به خاطر دفاع از منافع "نظام مقدس اسلامی" و در چارچوب آن، ادامه می‌دهند.

سی سال پس از این فاجعه، خانواده‌های جان‌باختگان تابستان ۱۳۶۷، با وجود تلاش‌های رژیم برای نابودی آثار این جنایت هولناک همچنان در گلستان خاوران و دیگر گورهای دستجمعی جان‌باختگان فاجعه ملی در شهرهای مختلف ایران گردهم می‌آیند و هنوز حتی نتوانسته‌اند عزیزان‌شان را آن‌طور که شایسته و بایسته است به خاک سپارند. رفسنجانی و دیگر سران رژیم در آن دوران، و قوه قضائیه دستگاه ولایت پس از افشای نوار صوتی آیت‌الله منتظری در سال ۱۳۹۵، به‌منظور سرپوش گذاشتن بر این جنایت هولناک از اعدام معدودی "روربست" در زندان‌ها سخن گفتند در صورتی که سازمان‌های حقوق بشر شمار زندانیان سیاسی قتل‌عام‌شده را بیش از پنج هزار نفر تخمین زده‌اند و لیست اسامی اعدام شدگان را منتشر کرده‌اند. شیوه سازمان‌دهی این جنایت هولناک از الگوی دادگاه‌های قرون وسطایی تفتیش عقاید یعنی از همان نوع دادگاه‌هایی که گالیله در مقابل یکی از آن‌ها باید به مرکزیت زمین در منظومه شمسی و نچرخیدن زمین به‌دور خورشید "اقرار می‌کرد" نمونه‌برداری شده بود. درعین حال این دادگاه‌های قرون وسطایی تفتیش عقاید "اسلام سیاسی" اوج ورشکستگی اخلاقی و فکری شماری جنایتکار از جمله عده‌ای ملبس به لباس "روحانیت" را در انظار عمومی به‌نمایش گذاشت که تنها سلاح‌شان در برابر فکر و منطق شلاق، داغ، درفش، طناب دار و گلوله است.

هم‌میهنان آگاه و مبارز!

سران رژیم و سازمان‌دهندگان کشتار زندانیان سیاسی با زندانیان اسیر، خصوصاً با زندانیان عضو حزب توده ایران که بخشی عمده از رهبری و کادرهای آن در جنگ جلا دادن اسیر بودند، برخوردی بسیار حساب‌شده و دقیق داشت. سران رژیم صدها تن از رهبران، کادرهای برجسته، اعضا و هواداران حزب ما را که فعالیت و وجودشان را برای آینده خود خطرناک می‌دید قتل‌عام کرد. در میان رهبران و کادرهای اعدام شده حزب ما شماری از اسطوره‌های پایداری دوران ستم‌شاهی، یعنی کسانی که بیش از بیست و پنج سال از عمرشان را در زندان‌های رژیم شاه سپری کرده بودند، تعدادی از برجسته‌ترین متفکران، روشنفکران، نویسندگان، مترجمان، و هنرمندان بنام، افسران شجاع و میهن دوست نیروهای مسلح، سندیکالیست‌های مبارز و نمایندگان کارگران و زحمتکشان به چشم می‌خورد. هدف این پاک‌سازی خون‌بار و آگاهانه توده‌های ما، نابودی امکانات حزب و سر بلند کردن ققنوس وار از خاکستر شکست یورش‌های گسترده رژیم در بهمن و اردیبهشت ماه سال‌های ۶۱ و ۶۲ برای سازمان‌دهی دوباره بود. ادامه حیات حزب توده ایران در سی سال گذشته و حضور توانمند آن در عرصه مبارزه سیاسی - اجتماعی کشور، با همت توده‌ای‌ها در ایران و خارج از ایران با وجود همه توطئه‌ها و دسیسه‌های دستگاه‌های امنیتی رژیم، نشانگر شکست سیاست جنایتکارانه رژیم در جهت نابود کردن حزب ما و همچنین دیگر سازمان‌های مترقی و آزادی‌خواه ایران است.

حزب ما و دیگر نیروهای آزادی‌خواه، ملی و دموکراتیک کشور وظیفه انسانی و انقلابی خود می‌دانند که تا روشن شدن و محاکمه مسببان این جنایت هولناک همچنان پیگیرانه به تلاش‌های‌شان در زمینه افشای این توطئه شوم تاریخ سال‌های اخیر میهن ما ادامه دهند. برای شکستن توطئه سکوت درباره فاجعه ملی باید همه تلاش‌ها را تشدید کرد. مبارزه و فشار برای باز کردن پرونده این جنایت و تلاش در راه روشن کردن همه ابعاد گوناگون آن، رسیدگی به خواست خانواده‌های قربانیان این فاجعه هولناک بی‌شک نقشی مهم و تعیین کننده در مبارزه‌ای دارد که در میهن ما برای دستیابی به صلح، آزادی، دموکراسی و عدالت اجتماعی در جریان است. وظیفه انسانی، مردمی و تاریخی همه نیروهای ترقی‌خواه و مدافع آزادی است که در راه تحقق این مهم تلاش‌هایشان را تشدید کنند.

کشتار هزاران زندانی سیاسی در تابستان سال ۱۳۶۷، و دیگر سرکوب‌های خونین دهه شصت تجربه‌های تاریخی مهمی برای همه نیروهای مترقی و آزادی‌خواه کشور است. نخست اینکه باید پذیرفت حکومتی که برای حفظ خود حاضر است این چنین جنایت هولناکی را سازمان‌دهی کند، اصلاح‌ناپذیر است و ادعای امکان تغییر ماهیت آن از طریق مذاکره و نصیحت، خاک پاشیدن در چشم توده‌ها و یاری رساندن به دوام حاکمیت خون‌بار استبداد در کشور ماست. دوم آنکه فرمان خمینی به کشتار زندانیان سیاسی، و به‌قول آقای منتظری، با زیر پا گذاشتن حتی قوانین جمهوری اسلامی، نشان‌دهنده این واقعیت است که حکومت کنونی ایران تنها در نام "جمهوری" است و در ساختار و عملکرد حکومتی است عمیقاً استبدادی و ضد مردمی که بدون طرد اساس ساختاری آن، یعنی بدون طرد رژیم ولایت فقیه، نمی‌توان به آینده کشور و امکان تحولی در راه استقرار آزادی و حاکمیت اراده مردم بر سرنوشته‌شان امیدوار بود.

همه امروز می‌دانند و حتی بخش‌هایی از نیروهای خودی حاکمیت نیز به آن معترف‌اند که وضعیت فاجعه‌بار کنونی، از فقر و محرومیت و ظلم بی‌سابقه در تاریخ معاصر کشور گرفته تا فساد نهادینه‌شده و آشکارا در تمامی دستگاه‌های اجرایی، قانون‌گذاری و قضایی جمهوری اسلامی و ادامه سرکوب‌های خشن و خونین اعتراض‌های مردمی و دگراندیشان، همگی، ثمره حاکمیت رژیم ولایت فقیه در ایران است.

در تابستان ۱۳۶۷، هزاران زندانی سیاسی، با اندیشه‌ها و دیدگاه‌هایی گوناگون و از گروه‌های سیاسی‌ای مختلف، در کنار هم، در برابر آتش جوخه‌های مرگ گذاشته شدند. امروز بهترین بزرگداشت و گرامی‌داشت خاطره فداکاری بی‌مانند و قهرمانانه این فرزندان خلق، به‌گمان ما، تشدید مبارزه مشترک همه نیروهای مترقی و آزادی‌خواه کشور برای پایان دادن به حکومت استبداد و استقرار حاکمیتی مردمی بر ویرانه‌های آن است.

* درود آتشین بر همه مبارزان راه آزادی و فرزندان دلاور خلق که در کشتار فاجعه ملی سال ۱۳۶۷ جان باختند!

* ماندگار باد خاطره تابناک مبارزات دلیرانه این قهرمانان خاموش خلق در تاریخ مبارزات رهایی‌بخش میهن ما!

* درود بیکران به مادران، پدران، همسران، فرزندان و وابستگان جان‌باختگان فاجعه ملی که استوار و خستگی‌ناپذیر از حقانیت مبارزه فرزندان سر بلند خلق، در برابر رژیم ولایت فقیه دفاع کرده و می‌کنند!

* ننگ و نفرت بر سران رژیم ولایت فقیه - آمران و عاملان جنایت دهشتناک فاجعه ملی!

کمیته مرکزی حزب توده ایران

۵ شهریور ماه ۱۳۹۷

<https://www.tudehpartyiran.org/>

